

پیش نویس قانون اساسی جمهوری ایرانی

برای مردمی آزاده، ایرانی آزاد و آباد

پژوهشگران فرهنگ ایران

تهیه و تنظیم از دکتر نیما فرین



انستیتوت ققاس ایران

پیش گفتار

هم میهنان فرزانه ، فرزندان برومند ایران زمین

فرآیند سی و یک سال حکومت دینمدار، ولایت مطلقه فقیه ، تنها گسترش فقر و بینوایی مردم و تاراج خزانة دولت و ویرانی کشور نبود . در این دوره ی سیاه تاریخ ایران ، گروهی به نام نمایندگان الله ، بنیاد های سیاسی کشور را با نیرنگ و دروغ از آن خود کردند، مردم را از حقوق و آزادی های بنیادی شهروندی، و حق مسلم برای گزینش در بنیادهای سیاسی، محروم کردند.

خویشکاری دانستیم، پیش نویس قانون اساسی جمهوری ایرانی را که چراغ راه آینده ی مردم این سرزمین کهن است بنویسیم، و با فروتنی به آزادگانی که مهر ایران در دل دارند و به مردم سالاری، و والایی این کشور کهن می اندیشند، پیشکش کنیم ، این پیش نویس نخستین گام به سوی مردم سالاری است.

از آن جا که، قانون اساسی، باید به دور از کاستی باشد، از هم میهنان آزاده خواستاریم ، که با ژرف نگری آن را بررسی کرده، و هر گونه پیشنهادی در راستای مردم سالاری دارند ، بازگو کنند، تا در پایان کار ، پیش نویسی بایسته و به دور از نارسایی ها نوشته شود.

همپرسی و گزینش، در فرهنگ والای ایرانی، ریشه های بسیار کهن دارد، بنابر این، گزینش در بنیاد های سه گانه کشور (رئیس جمهور، مجلس نمایندگان و

دیوان عالی) ، انجمن های استان، شهر و دهستان با آرای همگانی شهروندان پیش بینی شده است.

گزینش آزاد، حق مسلم وبی چون وچرای شهروندان است، و به هیچ دست آویزی نمی توان آنان را از این حق محروم کرد.

برای پاسداری از قانون اساسی ، اجرای درست قوانین و برپایی داد و دادگری، و جلوگیری از ایجاد نهاد های بیشمار قضایی دست و پا گیر، که خود زمینه ساز نابسامانی ها و پامال شدن حقوق شهروندان و لوٹ شدن مسئولیت ها است ، دادگاه قانون اساسی ، دیوان اداری و دیوان عالی کشور را در دیوان عالی ، با صلاحیت ها و اختیارات لازم که پاسخگوی این وظایف مهم باشد، و قضات آن از میان برجسته ترین قضات کشور، وکلا و استادان دانشگاه های حقوق ، برای یک دوره ی هشت ساله و با رای همگانی مردم برگزیده می شوند.

ما در نوشتن این پیش نویس به روشنی و با ژرف نگری دو هدف را دنبال کرده ایم :

۱- با گفتگو ، تبادل نظر و همکاری با یکدیگر بتوانیم، در سطح گسترده یی مردم آزاده ی این مرز وبوم را به حقوق و آزادی های بنیادی فردی وشهروندی بیشترآگاه کنیم، تا مردم با شناخت بیشتر ارزش های مردم سالاری در برپایی داد، و از میان بردن بیداد و بیدادگری ها ، یک پارچه وهم آوا، پیش گام شوند. در راستای این اندیشه، قانون اساسی می تواند، زمینه ساز آزادگی و بهزیستی مردم وآزادی و پیشرفت و والایی کشور شود.

۲- تاریخ نشان داده است، و همگی گواه آن هستیم، که پس از فروپاشی، فرمانروایی بیدادگران، فرصت طلبان، بیکار ننشسته و با بهره گیری از نابسامانی موجود در جامعه، با دروغ، تزویر و فریب ساده دلان و مردم زود باور حکومتی را برپا می کنند، که به مراتب خودکامه تر و لگام گسیخته تر از حکومت پیشین است. نمونه ی بارز آن، حکومت اسلامی در ایران می باشد.

این پیش نویس، برای فردای واژگونی این حکومت خودکامه و نامردمی نوشته شده است، تا در آن روز، مردم آزاده ی ایران، بتوانند، با بهره گرفتن از این پیش نویس، قانون اساسی را، که تضمین کننده حقوق و آزادی های بنیادی شهروندان و بنیاد هایی که برخاسته از اندیشه مردم است، تصویب کنند، و سرآغازی برای بهزیستی آنان و آبادانی و سربلندی ایران زمین شود. و دوباره مردم آزاده ی این کشور جایگاه شایسته ی خویش را در نزد مردم جهان به دست آورند.

نخستین قانون اساسی ایران با نام مشروطه، با جنبش بیداری و جانبازی مردم آزاده ی ایران، برای پایان دادن به حکومت استبدادی قاجار، با نوشتن قانون مشروطیت پایان گرفت، این قانون اساسی، حاکمیت شاه قاجار را تأیید کرد و با برپایی مجلسی برگزیده از شاهزادگان قاجار، مالکین و بازاریان، مردم را با همه ی جان فشانی ها که کردند، از حق برگزیده شدن محروم کرد.

بررسی قانون مشروطیت، نشان می دهد، که قانون اساسی در ایران، از روی قانون اساسی ۱۷۸۹ فرانسه، بر مبنای نظریه حاکمیت ملی نوشته شده است. در نظریه حاکمیت ملی، شاه منشاء حکومت است، و پادشاهی را ودیعه

خداوندی می شمارد، و تندی چند از نزدیکان خود و مالکین را با تقویض نمایندگی از سوی خود به مجلس می فرستد، و رای دادن وظیفه ای است، که پس از آن شهروند دیگر نقشی ندارد.

قانون اساسی فرانسه در سال های (۱۷۹۳ و ۱۷۹۵) ترسایی، حاکمیت مردم را جایگزین حاکمیت ملی نمود. فرضیه حاکمیت ملی برای همیشه به فراموشی سپرده شد. در قانون اساسی با نام مشروطه، نظریه حاکمیت ملی پذیرفته شد، و به موجب آن مردم از گزینش دربنیاد های کشور محروم شدند، بی بهره کردن مردم از حقوق و آزادی های بنیادی و حق گزینش در بنیادهای کشور، زمینه ساز نابسامانی ها شد، و دولت ها با نیروهای سرکوبگر پلیسی و ایجاد خفقان در جامعه، اندیشمندان را ناگزیر به خاموشی کردند.

نظریه حاکمیت مردم، وجدایی دین از حکومت، زیر بنای قوانین اساسی کشور های پیشرفته ای است که با روش مردم سالاری اداره می شوند. در این روش مردم اداره امور کشور را در دست دارند و باور های آنان گرامی و ارجمند می باشد، بی آنکه بی آن که این باورها نقشی در قوانین جامعه داشته باشند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی، دومین قانون اساسی، پس از مشروطیت، می باشد که در آن حقوق و آزادی های بنیادی مردم، از نوشته فراتر نرفت و از همان نخستین روزبه فراموشی سپرده شد، و آن چه برجای مانده است، "حکومت مطلقه ولایت فقیه" است، که همه بنیاد های سیاسی کشور را از آن خود کرده، به گونه ای که در آن رهبر خودکامه به نام الله همه امور کشور را در دست گرفته، و در برابر مردم و قانون اساسی مسئول و پاسخگو نیست. در

این نابسامانی ها ، قوای سه گانه کشور (مقننه ، اجرائیه و قضائیه) همگی مجریان بی قید و شرط این ولی فقیه غیر مسئول می باشند.

با نگر به این که در حقوق اساسی توازن میان حقوق و آزادی های بنیادی فردی و شهروندی، با اختیارات کشورمداران، لازمه برپایی مردم سالاری و جلوگیری از حکومت های خودکامه است، در نوشتن پیش نویس قانون اساسی، این اصل حقوق اساسی را با ژرف نگری و با شایستگی دنبال کرده ایم .
برای تحقق این کار بزرگ باید رسانه های گروهی و همگانی، آزادانه در بازگویی آن چه در کشور می گذرد، مردم را آگاه سازند. و هیچ کس نتواند بهر دست آویزی های رسانه های گروهی را تعطیل و یا از میان بردارد ، دیوان عالی یگانه مقام صلاحیتدار، برای رسیدگی به تخلف آن ها است .

احزاب و گروه های سیاسی باید با ارایه برنامه های درست و به گونه پی سازنده، فراگیر شوند، افزوده بر آن شهروندان با آگاهی از عملکرد دولت ، در هر رأی گیری و گزینش برترین ها ، آگاهانه با رای خود تناوب سیاسی را فراهم کنند، تا حکومت در دست گروهی خودکامه قرار نگیرد.

در راستای اندیشه تناوب در حاکمیت مردم ، قضات دیوان عالی تنها یکبار ، رئیس جمهور و نمایندگان مجلس تنها دو بار، آن هم بلافاصله پس از پایان دور نخست می توانند نامزد این سمت شوند، و برای همیشه دیگر نمی توانند نامزد گزینش در بنیاد های سه گانه کشور شوند.

هر شهروند، تنها حق دارد، در یکی از بنیادهای کشور رئیس جمهور، نمایندگی مجلس و دیوان عالی وانجمن های استان، شهر و دهستان برگزیده شود، و همزمان داشتن دو سمت نمایندگی به هیچ روی پذیرفته نیست.

این پیش نویس بر پایه ارزش های فرهنگ کهن ایران در راستای مردم سالاری نوشته شده است، و برای ماوریم، که مردم سالاری برخاسته از اندیشه ی مردم آزاده ی این کشور و بر مبنای حاکمیت مردم بر مردم . برای مردم است ، و همواره برجای خواهد ماند.

دیباچه

"ما مردم ایران با ارج نهادن به اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، که بازگوکننده ی حقوق و آزادی های فردی و شهروندی ، بر پایه گزینش آزاد در بنیاد های سیاسی کشور و مردم سالاری برپایه ی حاکمیت مردم بر مردم و برای مردم می باشد، اصول بنیادین زیر را اعلام می داریم :

- ۱- جدایی دین از بنیادهای سیاسی کشور
- ۲- توازن میان حقوق و آزادی های شهروندی، و اختیارات بنیادهای سیاسی کشور.
- ۳- تناوب در نمایندگی، تا شهروندان بیشتری به بنیاد های سیاسی کشور دست یابند. و گروهی خودکامه نتواند، حاکمیت را در دست گیرد.
- ۴- پاسداری از منابع طبیعی و محیط زیست، که سر چشمه زندگی انسان و موجودات زنده می باشد.

قانون اساسی ایران

اصل نخست

ما شهروندان ایران زمین، برای برپایی داد، آسایش، بهبود زندگی همگان و پدافند کشور و پاسداری از حقوق و آزادی های بنیادی خود و فرزندان این مرز و بوم، قانون اساسی جمهوری ایرانی را برپایه ی مردم سالاری (حاکمیت مردم بر مردم و برای مردم) و جدایی دین از بنیادهای سیاسی کشور اعلام می داریم

اصل دوم

ایران سرزمین صلح و دوستی است، و دولت باید با همکاری با سازمان های بین المللی، و برپایه ی مهر و دوستی با کشورهای همسایه از هر گونه تنش جلوگیری کند و در پاسداری از مرزهای کشور بکوشد.

اصل سوم

دین، باوری درونی است. پندارهای دینی و آیینی هر شهروندی گرامی و به دور از تعرض است، و هیچ کس پروانه ندارد، پندار های مردم را تفتیش کرده، و یا باور های خود را به دیگری تحمیل کند.

اصل چهارم

بنیاد های سه گانه کشور، رئیس جمهور، مجلس نمایندگان و دیوان عالی است. این بنیادها جدا و مستقل از یکدیگرند. هیچ یک از بنیادها در انجام وظایف قانونی پیش بینی شده در قانون اساسی، بر دیگر بنیادها برتری ندارد. قانون اساسی همکاری میان این بنیاد ها را تعیین می کند.

اصل پنجم

به منظور افزایش نقش شهروندان در پیشرفت و آبادانی کشور و کاهش تمرکز کارها در پایتخت، همیاری هر چه بیشتر مردم، انجمن های استان، شهر و دهستان تشکیل می شود.

بنیاد های سه گانه کشور و انجمن های بند بالا، از میان شهروندان و با رای همگانی آنان برگزیده می شوند.

اصل ششم

زبان رسمی کشور پارسی است.

فرهنگ ها، زبان ها، و گویش های گوناگون این سرزمین ارجمند می باشند.

این ارزش ها برخاسته از گوهر مردم سالاری و یگانگی مردم کشور است.

دولت باید آموزش این زبان ها و آزادی های فرهنگی را تضمین کند.

اصل هفتم

سرود رسمی کشور، سرود ای ایران، سروده ی استاد حسین گل گلاب است،

که شناسه ارزش های فرهنگی و سیاسی کشور را دارا می باشد

اصل هشتم

حقوق و آزادی های بنیادی و جدایی ناپذیر فردی و شهروندی.

مردم، آزاد چشم به جهان می گشایند، و دارای حقوق و آزادی های برابر می باشند.

آزادی اندیشه، گفتار و نوشتار.

آزادی آموزش و کار.

حق برخورداری از مسکن شایسته.
حق نامزدی برای گزینش در همه بنیاد های کشور.
آزادی تشکیل احزاب ، انجمن ها، سندیکاها.
آزادی تظاهرات و اجتماعات.
تأمین حقوق اجتماعی (بیمه درمانی، بیکاری، از کارافتادگی، بازنشستگی).
حمایت از خانواده، تأمین حقوق مادران و کودکان.

اصل نهم

اصل بر بیگناهی است.
جان ، مال ، آبروی و مسکن شهروندان باید مصون از هر تعرضی باشد.
هیچ کس را نمی توان به اعدام و یا نقص عضو محکوم کرد.

اصل دهم

تأمین امنیت و آسایش مردم بر عهده ی دولت است.
هیچ کس نمی تواند، آزادی و آسایش شهروندان را از آنان بگیرد.
شهروندان در صورت ارتکاب جرم، از سوی مقامات قضایی مورد پیگرد
قانونی قرار می گیرند.
ضابطین دادگستری ، به شرط آن که دلایل کافی بر ارتکاب جنایت و جنحه در
دست داشته باشند، حد اکثر بیست و چهار ساعت می توانند برای بازجویی و
گردآوری دلایل متهم را بازداشت کنند.
بلافاصله پس از دستگیری، متهم باید وکیل داشته و بازجویی با حضور وکیل
انجام شود.

اصل یازدهم

دramور کیفری و مدنی داشتن وکیل برای دفاع قانونی الزامی است، هرکس که توان مالی نداشته باشد، می تواند، وکیل تسخیری داشته باشد. قانون شرایط درخواست وکیل تسخیری را تعیین می کند.

اصل دوازدهم

هرگونه شکنجه، آزار جسمانی و روانی برای گرفتن اعتراف، و یا الزام به دادن گواهی و ادای سوگند به دروغ، به کاری که انجام نداده است، جرم است. قانون کیفری، مجازات آن را تعیین می کند.

اصل سیزدهم

آزادی و استقلال رسانه های گروهی (رادیو، تلویزیون و روزنامه ها)، گوهر مردم سالاری است. رسانه های گروهی را نمی توان توقیف و یا منحل کرد، مگر با رای دیوان عالی.

برای سازمان دادن به فعالیت های رادیو و تلویزیون، و جلوگیری از بهره برداری نادرست از برنامه های آن، " شورای عالی رادیو- تلویزیون " تشکیل می شود، رئیس جمهور، مجلس نمایندگان و دیوان عالی هر یک دو تن نماینده برای شرکت در این شورا، به مدت چهار سال برمی گزینند. هموندان شورا ممکن است تنها یکبار دیگر بلافاصله پس از دوره نخست برگزیده شوند.

شورا دارای شش هموند است و از میان خود یک تن را به سمت رئیس برای چهار سال برمی گزینند.

قانون شیوه ی کار و وظایف شورا را در زمینه های فرهنگی، سینمایی، موسیقی، اخبار و بررسی نظرها، تبلیغات برای گزینش بنیاد های سه گانه ی کشور و برابری زمان به احزاب و گروه های سیاسی را تعیین می کند.

اصل چهاردهم

هر شهروند ایرانی، دارای تابعیت ایرانی است و هیچ کس نمی تواند، او را از این حق بی بهره کند.

بیگانگانی که در ایران زندگی و کار می کنند، می توانند پس از پنج سال اقامت پیوسته درخواست تابعیت ایرانی کنند، در صورتی که پیشینه محکومیت کیفری نداشته و مالیات های قانونی را پرداخته باشند، دولت می تواند به آنان تابعیت ایرانی بدهد.

اصل پانزدهم

دولت پروانه دارد، به بیگانگانی که به واسطه دگراندیشی سیاسی از کشور خود فرار کرده اند، پناهندگی سیاسی دهد. پناهندگان در ایران حق فعالیت سیاسی ندارند.

اصل شانزدهم

منابع طبیعی (معادن، کوه ها، جنگل ها، مراتع، دریا ها، دریاچه ها، رودخانه ها ، نیزارها و زمین های بایر) از اموال عمومی کشور است. دولت باید برنامه ریزی های بایسته در نگهداری و بازسازی جنگل ها و مراتع و بهره برداری از دریاچه ها، دریا ها و رودخانه ها، کاشتن درختچه های کویری در زمین های بایر تنظیم کند.

اصل هفدهم

میراث فرهنگی و یادمان های تاریخی ، شناسه مردم این سرزمین است، باید از آن ها نگهداری شود.

دولت باید با تشکیل موزه ها ، ارزش های فرهنگی این کشور کهن را به مردم و به ویژه جوانان کشور نشان دهد.

اصل هجدهم

انتخابات برای گزینش در بنیادهای سه گانه کشور، انجمن های استان، شهر و دهستان در یک روز انجام می شود، دولت برنامه انتخابات را سازمان می دهد.

دوره ی نمایندگی رئیس جمهور، نماینده مجلس، نماینده انجمن های استان ، شهر و دهستان چهار سال است.

نامبردگان بالا تنها یک بار دیگر، آن هم بلافاصله پس از دوره نخستین می توانند نامزد گزینش شوند.

دوره نمایندگی قضات دیوان عالی هشت سال است.

قضات دیوان عالی را به هیچ دست آویزی نمی توان در درازای هشت سال از این سمت عزل کرد.

قضات دیوان عالی حق انتخاب دوباره را ندارند.

هر شهروند می تواند تنها در یکی از بنیاد های بالا نامزد شود.

برگزیدگان باید در آغاز و پایان دوره نمایندگی، میزان دارایی خود را به دیوان محاسبات گزارش کنند

اصل نوزدهم

هر شهروند پس از سی و پنج سالگی و با داشتن دست ده سال اقامت در کشور می تواند، نامزد رئیس جمهوری یا دیوان عالی شود.

هر شهر وند پس از بیست و سه سالگی و با داشتن دست کم پنج سال اقامت در کشوری تواند، نامزد نمایندگی مجلس، انجمن های استان، شهر و دهستان شود.

نامزد انتخابات نباید به حکم قطعی دادگاه ها، از حقوق مدنی محروم شده باشد. هر شهروند، پس از هجده سالگی می تواند، در رای گیری شرکت کند. ثبت نام نامزد های انتخاباتی، تا ده روز پس از فرمان برگزاری انتخابات انجام می شود.

وزارت کشور باید رای گیری را یک ماه پیش از پایان دوره پیشین آغاز کند. در انتخابات آرای سفید و باطل شمرده نمی شوند.

اصل بیستم

نظارت در انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس و قضات دیوان عالی و رسیدگی به دادخواست ها در زمینه تقلب در آن، با دیوان عالی است. دیوان عالی اگر تقلب در گزینش را تایید کند، گزینش را باطل کرده و از وزارت کشور می خواهد، تا رای گیری را از نو آغاز کند.

اصل بیست و یکم

هرگاه پیشرفت ها و دگرگونی های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی تغییرقانون اساسی را ضروری سازد، رئیس جمهور یا، دو پنجم تعداد کل نمایندگان مجلس، می توانند خواستار همه پرسی شوند.

مجلس نمایندگان حداکثر در مدت شش ماه آن را بررسی، و در صورت تصویب با اکثریت مطلق، انجام آن را از دولت خواستار می شود. دولت باید حداکثر در چهل روز همه پرسی را انجام دهد. رئیس جمهور تا ده روز پس از اعلام نتیجه همه پرسی، آن را امضاء می کند.

اگر شهروندان تغییرات پیشنهادی را تصویب نکنند، از روز ابلاغ نتیجه تا دو سال دیگر نمی‌توان همان پیشنهاد را به همه پرسى گذاشت.

اصل بیست و دوم

مالیات اشخاص حقیقی و حقوقی را دولت تعیین می‌کند.
میزان مالیات باید در راستای عدالت اجتماعی باشد.

اصل بیست و سوم

دیوان محاسبات، نهادی مستقل است، و از شش تن عضو تشکیل می‌شود.
رئیس جمهور، رئیس مجلس نمایندگان و رئیس دیوان عالی، هر یک دو تن از اعضا را برای مدت چهار سال بر می‌گزینند.
هموندان در نخستین نشست، با رأی پنهانی یک تن را از میان خود برای دوره نمایندگی به ریاست دیوان محاسبات بر می‌گزینند.
دیوان محاسبات، در آمد و هزینه‌های سالانه دولت را حسابرسی می‌کند، و در گزارشی بررسی‌های انجام شده را به مجلس می‌فرستد، و همزمان مردم را نیز آگاه می‌کند.

بررسی داریی‌های نمایندگان بنیاد‌های کشور به عهده دیوان محاسبات است.
دیوان محاسبات، در صورت مشاهده تخلف مراتب را برای رسیدگی به دیوان عالی گزارش می‌کند.

اصل بیست و چهارم

هیچ کس حق دریافت بیش از یک حقوق از خزانه دولت و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت را ندارد.

اصل بیست و پنجم

نامزد انتخاب رئیس جمهوری باید معاون خود را تعیین و هم زمان با ثبت نام، به آگاهی همگان برساند

قانون شیوه ی برگزاری، دوره ی تبلیغات، گفتگوها و مناظره های رادیو و تلویزیونی را معین می کند

اگر یکی از نامزدها ده روز پیش از آغاز گزینش بمیرد و یا به حکم قطعی دادگاه محکوم شود، انتخابات دو هفته عقب می افتد.

نامزدی که اکثریت مطلق آرا (نیمی از آرا افزوده بر یک) را بیاورد در همان دور نخست برگزیده می شود.

اگر هیچ یک از نامزدها در دور نخست نتواند اکثریت بیاورد، دوتن که بیشترین رای را آورده اند می توانند، در دور دوم شرکت کنند.

در دور دوم نامزدی که رأی بیشتری بیاورد برگزیده می شود.

اگر رأی گیری تا پس از پایان دوره رئیس جمهور پیشین به درازا کشد، تا ابلاغ گزینش رئیس جمهور جدید، رئیس جمهور پیشین، در این سمت برجای می ماند.

اصل بیست و ششم

رئیس دیوان عالی، رئیس جمهور برگزیده را اعلام می کند.

رئیس جمهور در جلسه علنی مجلس با حضور رئیس دیوان عالی چنین سوگند یاد می کند:

" من در این مجلس و در پیشگاه نمایندگان مردم سوگند یاد می کنم، که وظایف رئیس جمهوری را بر پایه قانون اساسی ایران، با راستی و به درستی انجام دهم، و آن چه در توان دارم، برای آزادی و اداره کشور و پاسداری از مرزهای آن کوشش کنم "

اصل بیست و هفتم

رئیس جمهور بالا ترین مقام کشور است.

رئیس جمهور در انجام وظایف خود در برابر مجلس نمایندگان مسئول و پاسخگو می باشد.

رئیس جمهور فرمانده کل نیرو های مسلح کشور می باشد.

رئیس جمهور، نشست های شورای عالی دفاع کشور را با شرکت وزیرکشور، وزیردفاع، رئیس ستاد ارتش، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی رهبری می کند.

رئیس جمهور، در دوره ریاست جمهوری از سمتی که در حزب یا گروه سیاسی دارد، کناره گیری می کند.

اصل بیست و هشتم

رئیس جمهور وزیران را برمی گزیند، و هرگاه بخواهد، وزیرو یا وزیران استعفاء می دهند.

معاون رئیس جمهور، مأموریت هایی را که از سوی رئیس جمهور به او واگذار می شود انجام می دهد.

رئیس جمهور مصوبات مجلس نمایندگان را برای ابلاغ قانونی تا ده روز امضا می کند.

رئیس جمهور می تواند، پیش از زمان پیش بینی شده در بند بالا، از مجلس درخواست کند، که مصوبه و یا بخشی از آن را دوباره بررسی کند، اگر مجلس دوباره با رأی خود آن را تایید کند، رئیس جمهور باید آن را امضا کند.

اگر قوانین و مصوبات مجلس مغایر قانون اساسی باشد، دیوان عالی با رأی خود آن را رد می کند.

اصل بیست و نهم

رئیس جمهور، وزیران را در انجام وظیفه‌ی‌ی که بردوش گرفته اند، یاری می‌دهد، در نشست‌های هفتگی، وظایف آنان را هم آهنگ کرده و امور کشور را بررسی و راه کارهای بایسته تعیین می‌کند.

اصل سی ام

اگر رئیس جمهور استعفاء دهد و یا بمیرد و یا بیماری او بیش از دوماه به درازا کشد، و یا برکنار شود، معاون رئیس جمهور این سمت را تا گزینش رئیس جمهور به عهده می‌گیرد.

دولت ظرف یک ماه، فرمان انتخاب رئیس جمهوری را صادر می‌کند .
معاون رئیس جمهور تا گزینش رئیس جمهور با آرای همگانی مردم ، تنها به اداره امور جاری کشور می‌پردازد.

اصل سی و یکم

در صورت تعرض به مرزهای کشور، رئیس جمهور با تشکیل فوری شورای عالی دفاع کشور، کارهای زیر را انجام می‌دهد :
در یک پیام مردم را آگاه می‌سازد.

رئیس جمهور در مدت سی روز از اختیارات ویژه برخوردار می‌باشد.
رئیس جمهور، پیش از پایان سی روز، باید از مجلس درخواست اختیارات کند، و یا بر مبنای رأی مجلس نمایندگان کارهای بایسته را انجام دهد.

دولت پروانه‌ی اعلام حکومت نظامی در کشور و یا بخشی از آن را ندارد.
در صورت بروز جنگ و اشغال کشور، به پیشنهاد رئیس جمهور و رأی دو سوم شمار نمایندگان مجلس و موافقت دیوان عالی، انتخابات بنیادهای کشور تا پایان جنگ انجام نمی‌شود.

اگر بخشی از کشور اشغال شده باشد، انتخابات نمایندگان و انجمن ها در آن بخش تا پایان جنگ انجام نمی شود.

اصل سی و دوم

رئیس جمهوری تواند به درخواست رئیس دیوان عالی ، همه و یا بخشی از کیفر هر یک از شهروندان را که با حکم قطعی دادگاه در زندان بسر می برند، را مورد بخشودگی قرار دهد.
آثار محکومیت بخشوده شدگان در پیشینه قضایی آنان برجای می ماند.

اصل سی و سوم

رئیس جمهور مقام های زیر را برمی گزیند :
وزیران.

دادستان کشور با هماهنگی پیشین رئیس دیوان عالی.
رئیس ستاد ارتش.

فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی.

سفیران و فرستادگان ویژه.

دو تن اعضای دیوان محاسبات،

دو تن اعضای شورای عالی رادیو و تلویزیون.

اصل سی و چهارم

رئیس جمهور کارهای زیر را انجام می دهد :
صدور فرمان همه پرسی.

امضای قوانین و نتیجه همه پرسی.

امضای توافق نامه ها ،مقاله نامه ها، قراردادهای و پیمان های سازمان های بین المللی.

دادن نشان های دولتی.

اصل سی و پنجم

رئیس جمهور هر سال در آغاز دوره قانونگذاری به مجلس نمایندگان می رود و مجلس را از سیاست های کلی دولت آگاه می سازد.

اصل سی و ششم

شمار نمایندگان مجلس دویست و پنجاه تن می باشد. هر دوازده سال یک بار، در صورت افزایش جمعیت ، به تعداد هر پانصد هزار تن، یک نماینده افزوده می شود، بی آن که شمار نمایندگان مجلس بیش از سیصد تن شود.

اصل سی و هفتم

نمایندگان مجلس پس از گزینش، در نخستین نشست علنی مجلس نمایندگان، با حضور رئیس دیوان عالی، سوگند یاد می کنند:
"ما نمایندگان مجلس، در پیشگاه مردم سوگند یاد می کنیم، که وظایف نمایندگی را با راستی و به درستی انجام داده، و در تصویب قوانین ، قانون اساسی را که گوهر مردم سالاری است، ارجمند بداریم".

اصل سی و هشتم

رئیس مجلس برای دوره ی چهار ساله از میان نمایندگان مجلس برگزیده می شود.

اصل سی ونهم

گزینش روسا و اعضای کمیسیون ها، برنامه کار کمیسیون ها، نشست ها، حقوق گروه های سیاسی و دبیرخانه را آیین نامه داخلی تعیین می کند.

اصل چهل

مجلس دستور کار و اولویت هارا تعیین می کند.

اصل چهل و یکم

نماینده‌گی قائم به شخص نماینده است

هیچ یک از نمایندگان مجلس نمی توانند، انجام وظایف خود را به نماینده ی دیگر واگذار کنند.

اصل چهل و دوم

نشست علنی مجلس نمایندگان، هنگامی رسمی است، که دو سوم شمار نمایندگان مجلس حاضر باشند.

مذاکرات نشست علنی مجلس نمایندگان در روزنامه رسمی کشور نوشته می شود، و در رادیو و تلویزیون برای آگاهی همگان مورد بررسی قرار می گیرد.

به درخواست رئیس جمهور، و یا وزیر و یا ده تن از نمایندگان مجلس، نشست مجلس نمایندگان غیر علنی تشکیل می شود.

این نشست هنگامی معتبر است، که با اکثریت دو سوم نمایندگان به تصویب برسد.

اصل چهل و سوم

در تعطیلات سالانه مجلس، اگر رئیس جمهور با ارایه دلایل، فوریت گردهمایی با مجلس نمایندگان را نماید، و رئیس مجلس با این گردهمایی موافق باشد، جلسه علنی فوق العاده مجلس نمایندگان برای مذاکره درباره موضوع مورد درخواست رئیس جمهور تشکیل می شود.

اصل چهل و چهارم

مجلس نمایندگان، قانونگذاری را انجام می دهد، کار دولت را بررسی کرده و سیاست آن را ارزیابی می کند.

اصل چهل و پنجم

تفسیر قوانین عادی با مجلس نمایندگان است.

اصل چهل و ششم

پیشنهاد نمایندگان مجلس درباره لوایح دولت اگر موجب کاهش درآمد و یا افزایش هزینه ها باشد، هنگامی پذیرفته می شود، که راه کاری برای آن ارایه شود.

اصل چهل و هفتم

رئیس جمهور در اموری که در قلمرو قانون نیست، آیین نامه می نویسد. رسیدگی به اختلاف میان رئیس جمهور و مجلس نمایندگان در بند بالا، از وظایف دیوان عالی است.

اصل چهل و هشتم

دولت باید برای جایگزینی نمایندگان مستعفی، در گذشته، نمایندگان که به هر انگیزه‌ی بیش از دوماه پیوسته در نشست‌های مجلس و کمیسیون‌ها غایب باشند و یا آنان که به کار دیگری منصوب شده‌اند، انتخابات میان‌دوره‌ی برگزار کند.

اصل چهل و نهم

دیوان عالی، لایحه یا پیشنهاد تغییری یا تشکیل حوزه‌های نمایندگی، را بررسی می‌کند.

اصل پنجاهم

دیوان عالی بالا ترین مرجع قضایی کشور است.

اصل پنجاه و یکم

دیوان عالی دارای بیست قاضی است، که از میان کسانی که دارای تحصیلات حقوقی می‌باشند، با رأی همگانی شهروندان برای هشت سال برگزیده می‌شوند.

برای تداوم کار دیوان عالی، هر چهار سال یک بار نیمی آنان با آرای همگانی شهروندان برگزیده می‌شوند، و جایگزین قضاتی می‌شوند که دوره قضاوت هشت ساله آنان به پایان رسیده است.

پس از تصویب قانون اساسی از سوی مجلس موسسان، ده تن پس از چهار سال به حکم قرعه جای خود را به قضات برگزیده می‌سپارند
پس از گزینش قضات دیوان عالی با رأی همگانی شهروندان، قضات دیوان سوگند یاد می‌کنند :

"ما در پیشگاه قانون اساسی و مردم سوگند یاد می کنیم، که وظایف خود را در پاسداری از قانون اساسی، و اجرای قوانین، و برپایی داد و دادگری با راستی و به درستی انجام دهیم"

پس از ادای سوگند، قضات دیوان عالی از میان خود یک تن را برای چهار سال به ریاست دیوان عالی بر می گزینند.

اصل پنجاه و دوم

نامزدهای گزینش باید دارای شرایط زیر باشند :

دوره دبیرستان را پشت سر گذاشته و دوره لیسانس حقوق را در یکی از دانشکده های معتبر حقوق گذرانده باشند. تشخیص معتبر بودن دانشکده حقوق با دیوان عالی است.

دارای ده سال پیشینه قضاوت، وکالت دادگستری، آموزش در رشته های مدنی، کیفری بازرگانی و حقوق اساسی در دانشکده حقوق باشند.

نامزدهایی که بدون گذراندن دوره دبیرستان و دارا بودن لیسانس حقوق ، به هر دست آویزی دارای فوق لیسانس و یا دکتری در یکی از رشته های حقوق باشند. قضات دادگاه های انقلاب اسلامی، و قضاتی که حکم به قتل و نقص عضو داده اند، صلاحیت نامزدی برای گزینش را ندارند.

نداشتن محکومیت های قطعی جنایی و جنحه بزرگ.

اصل پنجاه و سوم

نظر به اهمیت کار قضات دیوان عالی، قضات آن برای رازداری، مذاکرات دیوان عالی و برداشت های حقوقی خود و قضات دیگر را، ولو پس از پایان قضاوت در دیوان ، نباید حتی به عنوان مشاوره و سخنرانی های آموزشی بازگو کنند.

اصل پنجاه و چهارم

قضات دیوان عالی نمی توانند نامزد گزینش در بنیادهای کشور شوند، مگر این که از سمت خود در دیوان عالی کناره گیری کنند.

قضات دیوان عالی حق کار کردن و مشاوره، ولو به رایگان در هیچ جا و برای هیچ کس را ندارند.

تصمیمات دیوان عالی گروهی است، و با اکثریت آرای دو سوم شمار قضات دیوان قطعیت دارد.

اصل پنجاه و پنجم

دیوان عالی از قانون اساسی پاسداری می کند، قوانین و مصوبات مجلس نمایندگان و آیین نامه ها را بررسی می کند، و اگر رأی به مغایرت آن با قانون اساسی بدهد، آن را رد می کند.

تفسیر قانون اساسی با دیوان عالی است.

اصل پنجاه و ششم

دادخواهی حق هر شهروند است.

دادگاه ها و دیوان عالی به دادخواست های شهروندان رسیدگی می کنند.

اگر رئیس جمهور، وزیر و یا نماینده مجلس مرتکب جنحه بزرگ و جنایت مشهود شود، پس از قرار مجرمیت بازپرس، در دادگاه جنایی محاکمه می شود.

اگر شهروندی به دیوان عالی دادخواهی کند، که از سوی رئیس جمهور، و یا وزیر و یا نماینده مجلس، با ارتکاب جنایت، جنحه بزرگ، به وی زیان و آسیب رسیده است، به دستور دیوان عالی، دادستان کل پس از گردآوری اسناد و دلایل جرم پرونده را جهت رسیدگی به مجلس نمایندگان می فرستد.

مجلس نمایندگان به ریاست، رئیس دیوان عالی تشکیل می شود. مجلس نمایندگان در نشست علنی پس از ادعا نامه ی دادستان کشور و دفاعیه یکی از نامبرندگان بند چهارم ، به شور می پردازد.

اگر مجلس با اکثریت مطلق شمارنمایندگان رأی به برکناری دهد، رئیس جمهور یا وزیر و یا وکیل بلافاصله برکناری شود، و برای رسیدگی به اتهام به دیوان عالی معرفی می شود.

اگر مجلس رأی به برکناری ندهد، مرور زمان تا پایان دوره نمایندگی، معلق می شود.

در مورد وزیر مرورزمان تا هنگامی که وزیر در دولت است، و حداکثر تا پایان نمایندگی رئیس جمهور معلق می شود.

پس از پایان دوره، بلافاصله بر حسب درخواست دادستان و یا زیان دیده از جرم در دادگاه های صلاحیتدار محاکمه می شود.

اصل پنجاه و هفتم

دیوان عالی برای اجرای قوانین، و برپایی داد و دادگری، به درخواست دادستان کشور و یا زیان دیده رسیدگی فرجامی (ماهوی و شکلی) می کند. برای جلوگیری از تشتت آرا در دادگاه ها ، آرای دیوان عالی رویه قضایی می شود.

اصل پنجاه و هشتم

دیوان عالی برکار دادگاه های نخستین (مدنی، بازرگانی و کیفری) و دادگاه های پژوهش (مدنی، بازرگانی و کیفری) و دادگاه جنایی نظارت قانونی دارد. قانون ، تشکیل دادگاه ها و استخدام قضات و مدیران دادگاه ها و دادستانی ها و کارمندان اداری را تعیین می کند

اصل پنجاه و نهم

برای تربیت قاضی در دادگاه ها و دادستانی ها، دیوان عالی از میان شهروندان (زن ، مرد) که دست کم دارای لیسانس حقوق از دانشکده های معتبر حقوق باشند، استخدام می کند، نامزد ها باید دارای شریط زیر باشند :

در هنگام استخدام سن آنان بیست و سه سال و حد اکثر سی سال باشد.

شهر و ندانی که بدون گذراندن دوره دبیرستان و لیسانس حقوق از دانشکده حقوق، به هردست آویزی فوق لیسانس و دکتری حقوق گرفته باشند، چون دروس پایه را نخوانده اند، نمی توانند، نامزد برای استخدام شوند.

نداشتن پیشینه محکومیت قطعی جنایت و یا جنحه بزرگ.

پذیرفته شدگان یک دوره شش ماهه ی کار آموزی می بینند، و سپس به سمت قاضی در دادگاه ها و دادستانی ها آغاز به کار می کنند.

اصل شصتم

دیوان عالی ، سمت قضات دادگاه ها و بازپرس ها را پس از موافقت آنان تعیین می کند.

قضات دادگاه ها را نمی توان از سمتی که دارند، بدون رضایت آنان تغییر داد.

بازپرس یکی از قضات دادگاه است، که برای کشف جرم، دستگیری و گردآوری دلایل ارتکاب جرم گمارده می شود.

دادستان کشور با هم آهنگی رئیس دیوان عالی ، دادستان و دادیار های دادگاه های جنحه، جنایی، دادیار های دیوان عالی، را تعیین می کند.

اصل شصت و یکم

رسیدگی به جرم انتسابی (جنایت و جنحه بزرگ) به قضات، با دیوان عالی است.

اصل شصت و دوم

دیوان عالی می تواند استخدام مدیران دفتر دادگاه ها و دادستانی ها ، و فراهم کردن ساختمان های مورد نیاز دادگاه ها و تهیه تجهیزات دادگاه ها و دادستانی ها و تامین هزینه ها را به وزیر دادگستری واگذار کند.

اصل شصت و سوم

احکام دادگاه ها باید مستند به قوانین و مستدل باشد. طرفین دعوی و یا یکی از آن ها در دعاوی مدنی و دادستان و متهم در جرایم کیفری، که به رأی دادگاه اعتراض داشته باشند، می توانند در خواست رسیدگی پژوهشی و فرجامی کنند. قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری زمان برای اعتراض و آیین آن را پیش بینی می کند.

اصل شصت و چهارم

شهروندی که بازداشت و محکوم شده، ولی دادگاه بالا تر بر برائت او رأی داده باشد، می تواند از دادگاه صالح درخواست جبران ضرر و زیان کند، دادگاه به آن رسیدگی کرده و برای جبران آن حکم صادر می کند.

اصل شصت و پنجم

رسیدگی به دادخواست ها و اتهامات مرتکبین جنایت و جنحه علنی است، و شهروندان می توانند، در جایگاه ویژه جای گیرند، ولی پروانه پرسش ندارند. رسیدگی به جرایم جوانان کمتر از هجده سال و اختلافات خانوادگی و هنگامی که در دعاوی مدنی طرفین در خواست کنند، دادگاه بر غیر علنی بودن آن تصمیم می گیرد.

اصل شصت و ششم

مقررات زیر را قانون تعیین می کند:

انتخابات

شهروندی و تابعیت.

پدافند کشور.

قانون استخدام.

احزاب و گروه های سیاسی.

انجمن و سندیکا.

رسانه های گروهی.

کار و تامین اجتماعی.

حقوق مادران و کودکان.

ثبیت احوال و اسناد کشور.

قانون مالیات ها و تعدیل ثروت.

بانک ها.

چاپ اسکناس، ضرب سکه و اوراق بهادار.

آموزش و پرورش رایگان تا پایان دانشگاه ها.

پاسداری از محیط زیست.

منابع انرژی.

برنامه های آبادانی (جاده سازی، شهر سازی ،خانه سازی).

درختکاری، جنگل ها و مراتع کشور.

پشتیبانی مالی و فنی از کشاورزان.

انجمن های تعاونی روستایی.

قانون مدنی و آیین دادرسی مدنی.

قانون آیین دادرسی کیفری (جنایت، جنحه و خلاف).

قانون بازرگانی.

اصل شصت و هفتم

انجمن استان ، شهر، دهستان.

به منظور جلوگیری از تمرکز کارها در پایتخت و همکاری هر چه بیشتر شهروندان در اداره و آبادانی کشور، هموندان انجمن استان، شهر، دهستان و با آرای همگانی شهروندان برگزیده می شوند.

قانون برگزاری انتخابات، اختیارات انجمن، وظایف کمیسیون های انجمن، و همکاری های آن با دولت را در همه زمینه ها تعیین می کند.

دولت متناسب با برنامه ها و نیازهای هر استان، شهرو دهستان، هزینه های آن را تامین می کند.

برگزیدگان هر انجمن از میان خود یک تن را برای چهار سال به ریاست انجمن بر می گزینند.

انجمن ها ، برای اداره کارها ، کمیسیون های گوناگون تشکیل می دهند.

انجمن ها در نشست های علنی پیشرفت کار کمیسیون ها را بررسی می کنند ، و تصمیم های آن با اکثریت مطلق شمار هموندان قطعی است.

رئیس انجمن تصمیم های انجمن را اجرا می کند.

اصل شصت و هشتم

انجمن استان دارای بیست هموند است.

رئیس انجمن استان ، استاندار برگزیده ی مردم و بالاترین نماینده دولت در استان است، و با در اختیار داشتن ادارات و سازمان های دولتی استان ، امور اداری استان و برنامه های آبادانی (شهر سازی ، خانه سازی، جاده سازی) و

تامین نیاز های آموزش و پرورش، بهداشت و بیمارستان ها را تنظیم و اجرا می کند.

انجمن های شهرستان و دهستان از نظر هماهنگی مقررات اداری کشور زیر نظر استاندار می باشند.

برای آشناسدن انجمن های استان در هماهنگی کارهای اداری با دولت، برای پنج سال فرستاده ی دولت، به سمت مشاور استاندار انجام وظیفه می کند.

شهر ها و آبادی هایی که بیش از پانصد تن شهروند در آن زندگی می کنند، دارای یک انجمن شهر می باشند.

هموندان آن با نگر به شمار مردم شهر پنج تا پانزده تن می باشند.

چند روستا که فاصله زیادی از یکدیگر ندارند، دهستان را تشکیل می دهد.

دهستان دارای انجمنی است، که هموندان آن با رأی همگانی برگزیده می شوند.

انجمن ها دارای اختیارات اداری می باشند و حق وضع قانون و دخالت در امور قضایی را ندارند.

اختیارات رئیس انجمن دهستان در محل انتخابیه خود، همان اختیارات شهردار در شهر می باشد.

برگزیدگان در نخستین نشست علنی مجلس نمایندگان استان سوگند یاد می کنند :

" در پیشگاه مردم و قانون اساسی سوگند یاد می کنیم، که وظایف نمایندگی را در

انجمن با راستی و به درستی انجام دهیم، و با ارج نهادن به قوانین که برخاسته

از مردم سالاری است، در رفاه و بهزیستی شهروندان و پیشرفت و آبادانی

بکوشیم"

پایان